



چهلین

شہید کربلا

ماہنامہ تسنیم

سری چهل و سوم

مدرسه علمیه سلام الله عليها شهرستان فارس

مدیر مسئول: الہام زکی زاده

ارزیاب محتوا: گلناج نجفی

سر دبیر: فاطمہ حیدری

هیات تحریریه: غزالہ علیمردانی

بامحوریت (زندگینامہ امام حسین و شبہات و اثبات امام حسین و عاشورا و شبہات مربوط بہ سیدالشہدا

و بررسی علل عزاداری در ماہ محرم و صفرا ز نظر شیعه و سنی)

دوم مردادماہ ۱۴۰۲. ششم محرم ۱۴۴۵، ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۳



الحمد لله علیہم السلام
عبدالرشید حسین
محمد

چهارم

زندگینامه امام حسین



دوران جوانی تا زمان مرگ معاویه

در دوران خلافت علی، حسین در رکاب پدرش بود و در جنگ‌های او شرکت داشت. حسین پسر علی هنگام زمامداری پدرش او را در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان همراهی کرده بود. سال ۵۰ هجری وقتی که برادرش حسن کشته شد. معاویه حدود ۱۰ سال به عنوان خلیفه باقی بود. معاویه سال ۶۰ هجری درگذشت و پسرش یزید را به جانشینی انتخاب کرد. به نوشته منابع شیعه حسین بن علی موافق راه و روش حکومت هم عصر خود نبود. بنابر نوشته تاریخ نویسانی مانند دینوری از شرایط صلح حسن بن ابی طالب با معاویه، پرداخت سالیانه دو میلیون درهم از محل خزانه به حسین بود.

نویسندگانی مانند البلاذری در انساب الاشراف و ثعالبی در لطایف المعارف می‌نویسند که در دوران حیات برادرش حسن، حسین رویه برادرش در مورد عدم ستیز با معاویه را دنبال می‌کرد. حتی بعد از کشته شدن حسن نیز این شیوه در برخورد با معاویه را ادامه داد. معاویه سالی یک یا دو میلیون درهم به حسین می‌فرستاد و حسین مکرر به شام سفر می‌کرد و در آنجا نیز هدایای دیگری از معاویه دریافت می‌نمود. این مستمری توسط یزید فرزند معاویه به چهار میلیون افزایش پیدا کرد.

در این زمان معاویه از مروان حاکم مدینه خواسته بود تا با حسین برخوردی

حسین پسر علی و فاطمه (دختر محمد پیامبر اسلام)، امام سوم شیعیان است. حسین ۳ شعبان ۴ هجری قمری در مدینه زاده شد و در ۱۰ محرم ۶۱ (برابر ۲۱ مهرماه سال ۵۹ خورشیدی) در کربلا واقع در عراق کنونی در نبرد کربلا کشته شد. در میان شیعیان، از وی با القابی همچون امام حسین، اباعبدالله، ثارالله (به معنای خون خدا)، خامس آل عبا، سبط، وفی، زکی و سیدالشهدا نام برده می‌شود. سجاد، امام چهارم شیعیان فرزند وی است.

دوران کودکی

حسین بنابر اکثر روایات در اولین روزهای شعبان سال چهارم هجری به دنیا آمد. محمد، پیامبر مسلمانان و پدر بزرگ او، در همان سالهای کودکی حسین درگذشت. روایاتی از علاقه محمد نسبت به وی و برادرش حسن مجتبی نقل شده‌است. مانند «هر کس آنها را دوست داشته باشد من را دوست دارد و هر کس از آنها متنفر باشد از من متنفر است» یا «حسن و حسین سید جوانان اهل بهشت اند». حدیث دوم از دیدگاه شیعه اهمیت زیادی دارد و به اعتقاد آن گواهی بر حقانیت حسن و حسین بر امامت است.

حجرت

نداشته باشد و عملی تحریک آمیز انجام ندهد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که شیعیانی مانند حجر بن عدی حتی پیش از کشته شدن حسن بسیار به دیدن او می‌آمدند و از او تقاضا می‌کردند تا بر علیه معاویه قیام کند. اما بنا بر نوشته البلاذری پاسخ او همیشه این بود که تا زمانی که معاویه هست کاری نمی‌توان کرد. در زمان حکومت معاویه دو عمل مهم از او در منابع تاریخی ثبت شده است. یکی هنگامی که در مقابل چندی از بزرگان بنی امیه در مورد حق مالکیت خود بر یک سری زمین‌ها ایستاد و دیگر آنکه از تقاضای معاویه برای پذیرش یزید بعنوان ولی عهد معاویه با این دیدگاه که تعیین ولی عهد بدعتی است در اسلام سرباز زد.

واقعه کربلا

نبرد کربلا جنگی بود که در دهم محرم ۶۱ هجری قمری (مهر ۵۹ خورشیدی) اتفاق افتاد و به عاشورا معروف است. این نبرد میان سپاه حسین بن علی و سپاه یزید بن معاویه در نزدیکی محلی به نام کربلا در گرفت. حسین بن علی روز دوم محرم به کربلا رسید و روز سوم عمر بن سعد با ۴۰۰۰ نفر در کربلا اردو زد. در روز هفتم محرم آب را بر حسین بن علی و همراهانش بستند و در نهم محرم، شمر با ۴۰۰۰ نفر و نامه‌ای از طرف عبیدالله بن زیاد وارد

کربلا شد، او در این نامه به عمر بن سعد دستور داده بود با حسین بن علی بجنگند و او را بکشند و اگر این کار از دست او برنمی‌آید، فرماندهی را به شمر واگذارد.

روز دهم محرم سپاهیان حسین بن علی و عمر سعد در مقابل هم قرار گرفتند. به روایت ابومخنف تعداد سپاه حسین ۳۲ سواره نظام و ۴۰ پیاده و به روایت محمد باقر چهل و پنج سوار و صد نفر پیاده بود. در مقابل او سپاه عمر بن سعد با حدود ۳۰۰۰۰ نفر قرار داشت. جنگ آغاز شد و حسین و یارانش کشته شدند. پس از جان‌باختن حسین، سپاه عمر بن سعد سر ۷۲ تن از لشکریان حسین به علاوه سر علی اصغر فرزند ۶ ماهه او را جدا کرد و بر بالای نیزه‌ها گذاشت. خیمه‌ها غارت و در نهایت آتش زده شد، ساربان شترهای کاروان حسین بن علی به نام بجدل بن سلیم برای بدست آوردن انگشتر حسین بن علی، انگشت وی را برید تا انگشتر را بدست آورد و در نهایت سپاه عمر بن سعد اجساد کشته‌شدگان کربلا را در بیابان رها کرد و این اجساد پس از سه روز توسط قوم بنی‌اسد دفن شدند.

هر چند به لحاظ نظامی ابعاد این نبرد بزرگ نبوده است اما اثر اعتقادی و سیاسی بزرگی داشته است. از یک سو سبب تضعیف مشروعیت سیاسی حکومت بنی امیه شده است. به طوری که پس از آن قیام‌های فراوانی با شعار خونخواهی حسین بر ضد آن حکومت رخ داد و در نهایت منجر به سقوط آن شد. از سوی دیگر نقشی چشمگیر بر هویت اجتماعی و اعتقادی شیعیان طی قرن‌های بعد تا به امروز داشته است.

حسین

پیش‌زمینه حسین بن علی هنگام زمام‌داری پدرش، او را در جنگ‌های جمل و صفین و نهروان همراهی کرد. سال ۵۰ هجری هنگام کشته‌شدن برادرش حسن بن علی، معاویه حدود ۱۰ سال به‌عنوان خلیفه باقی بود. بر پایه قرارداد صلح با حسن، طبق بند دوم صلح‌نامه معاویه نمی‌بایست برای خود جانشینی انتخاب کند. به روایت سلیم پسر قیس یک سال قبل از مرگ معاویه در حج سال ۵۹ هجری قمری حسین بنی‌هاشم، دویست نفر از اصحاب پیامبر و پانصد نفر از تابعان را در منی در خیمه خود گرد آورد. احادیث پیامبر مشتمل بر نصب علی به خلافت در غدیر خم و شأن و جایگاه اهل بیت را به یادشان آورد و آنان بر آن اقرار کردند. و نیز از معاویه و ستمش انتقاد کرد. سپس با آنان پیمان بست که این مطالب را به خاندان و قبایل خود برسانند. معاویه در نیمه رجب سال ۶۰ هجری قمری مرد و پسرش یزید را به جانشینی انتخاب کرد. حسین بن علی از همان آغاز بیعت وی را نپذیرفت. یزید نامه‌ای به حاکم ولید پسر عتبّه حاکم مدینه نوشت و به او دستور داد که از حسین بن علی، عبدالله پسر عمر و عبدالله پسر زبیر برای یزید بیعت بگیرد و اگر حاضر به بیعت نشدند آنها را بکشد. حاکم مدینه در اجرای فرمان سستی کرد و یزید عمرو پسر سعید پسر عاص را به جایش گماشت. حسین که حاضر به بیعت با یزید نبود با خانواده خود شب بیست و هشت رجب از مدینه به مکه رفتند. در این هنگام مردم کوفه که از مرگ معاویه با خبر شده بودند نامه‌های

زیادی برای حسین نوشتند و از او خواستند تا به عراق و کوفه بیاید. حسین بن علی نیز مسلم بن عقیل را به کوفه فرستاد. ابتدا هزاران نفر از مردم کوفه با مسلم بن عقیل همراه شدند. اما با ورود عبیدالله پسر زیاد که از طرف یزید به حکومت کوفه گمارده شده بود و مردم کوفه را تهدید کرده بود، مسلم را تنها گذاشتند. عبیدالله، مسلم بن عقیل را دستگیر کرد و کشت. حسین با خانواده و یاران خود به سمت کوفه حرکت کرد و در نزدیکی کوفه بود که خبر پیمان‌شکنی مردم کوفه و کشته‌شدن مسلم را آوردند.

عبیدالله که بر اوضاع کوفه مسلط شده بود حر پسر یزید ریاحی را برای دستگیر کردن حسین بن علی و همراهانش فرستاد و سپس عمر بن سعد را با ۳۰۰۰۰ نفر به کربلا اعزام کرد. این امر موجب شد تا شمار زیادی از افرادی که با حسین بودند او را رها کنند و تنها نزدیک به ۷۰ تن با او باقی بمانند. عبیدالله به عمر بن سعد وعده داده بود که اگر حسین بن علی را بکشد، او را فرمانده ری خواهد کرد؛ اما پس از این ماجرا این کار را نکرد.

سپاه یزید

تعداد سپاهیان که ابن زیاد برای جنگ با حسین گسیل کرد در منابع مختلف گزارش شده است. این تعداد دست کم ۴۰۰۰ نفر و در برخی گزارش‌ها تا ۸۰۰۰۰ نفر برآورد است. اما مشهورترین تخمین حدود ۳۰۰۰۰ نفر است.

چهل

سپاه حسین بن علی

به روایت ابومخنف تعداد سپاه حسین ۳۲ سواره نظام و ۴۰ پیاده و به روایت محمد باقر چهل و پنج سوار و صد نفر پیاده بود.

حسین زهیر بن قین را به فرماندهی جناح راست و حبیب بن مظاهر را به فرماندهی جناح چپ گماشت. میانه سپاه را نیز به برادرش عباس سپرد.

روز نبرد

بنا بر نقل سید بن طاووس، در کتاب لهوف، صبح عاشورا ابتدا حسین بریر پسر خضیر از زاهدان نامدار کوفه را جهت موعظه جانب لشکر عمر سعد فرستاد، ولی آنان اعتنا نکردند. سپس خود به نزد آنان رفت تا اتمام حجت کند. او گفت مرا بین دو چیز مخیر کرده اند. یا جنگم و یا ذلت پذیرم و با یزید بیعت کنم، ولی ذلت از ما دور است. لذا با شما می جنگم. سپس سپاه عمر سعد جنگ را آغاز کرد. این حمله با تیراندازی عمر سعد به طرف اردوگاه حسین بن علی آغاز شد. شمر هم به نیروهای خود دستور داد که حمله ای گروهی بکنند و سپاه حسین را نابود کنند. همه گردان های سپاه کوفه در این حمله شرکت داشتند. یاران حسین هم در مقابل این هجوم تلاش کردند که از خود دفاع کنند [نیازمند منبع] و نیمی از یاران او (غیر از بنی هاشم) در این حمله نخست کشته شدند. شمار کشته شدگان این حمله را ۴۱ تن گفته اند. شماری از آنان (غیر از ۱۰ نفر از غلامان حسین و دودمانش و ۲ تن از غلامان علی)،

عبارت اند از:

نعیم بن عجلان، عمران بن کعب، حنظله، قاسط، کنانه،

عمرو بن مشیعه، ضرغامه، عامر بن مسلم، سیف بن مالک،

عبدالرحمان درجی، مجمع عانذی، حباب بن حارث، عمرو

جندعی، حلاس بن عمرو، سوار بن ابی عمیر، عمار بن ابی سلامه،

نعمان بن عمر، زاهر بن عمر، جبلة بن علی، مسعود بن حجاج، عبدالله بن عروه، زهیر بن سلیم، عبدالله و عبیدالله پسران زید بصری. جنگ گروهی و تن به تن تا نماز ظهر ادامه یافت. هنگام نماز حسین به زهیر بن قین و سعید بن عبدالله حنفی دستور داد با نیمی از یاران در مقابل او صف بکشند تا بتواند به نماز بایستد. دشمن در هنگام نماز آنها را تیرباران کرد. سعید بدن خود را سپر قرار داد و به شهادت رسید.

کشته شدن حسین بن علی

عمر بن سعد دستور داد تا حسین بن علی و همراهانش را محاصره کنند و آب را به روی آنان ببندند. سرانجام حسین بن علی در روز عاشورا، ۱۰ محرم سال ۶۱ در کربلا کشته شد و همه خیمه های خانواده و یارانش را به آتش کشیدند.

پس از نبرد

پس از کشته شدن یاران و خانواده حسین بن علی در واقعه کربلا، عمر بن سعد دستور داد تا سرهای آنان را ببرند. پس از آن، سرها را بین قبایل قسمت نمود تا آنان بدین وسیله به ابن زیاد نزدیک تر شوند. قبیله کنده به ریاست قیس بن

حربین

اشعث کندی ۱۳ سر، قبیله هوازن به ریاست
شمر بن ذی الجوشن ۱۲ سر، تمیم ۷ سر و بنی
اسد ۱۶ سر بر نیزه کردند و در مجموع با ۷۱ سر بریده
وارد کوفه شدند.

هنگام طلوع آفتاب سرهای کشته‌شدگان و کاروان اسیران از باب الساعات وارد
مسجد اموی شد. آنگاه به دستور یزید، تمامی سرها تا ۳ روز بر دروازه‌های شهر
و مسجد اموی آویزان گردید. علی پسر حسین پس از چندی موافقت یزید را
گرفت تا سرها را به بدن‌ها ملحق کند و سر حسین و دیگر کشته‌شدگان را به
کربلا برد و به اجسادشان ملحق کرد.

در عین حال چند سر را در باب الصغیر به خاک سپردند، که عبارت‌اند از:

سر ابوالفضل العباس

سر علی اکبر

سر حبیب بن مظاهر



دیدگاه‌ها درباره حسین و انگیزه قیام کربلا

دیدگاه شیعه

میان شیعیان در مورد انگیزه وی از حرکت به سوی کربلا

دو نظر متفاوت وجود دارد. این دو عقیده گاه در تاریخ تشیع

و میان دانشمندان شیعه بحث‌هایی به دنبال داشته‌است. گروه اول معتقدند
حسین پسر علی با توجه به دریافت تعداد زیادی نامه (که تعداد آن را تا هفتاد
هزار ذکر کرده‌اند) از سوی مردم کوفه و پس از حصول اطمینان از اصالت آنها
با تایید مسلم بن عقیل، و با اتکا به حمایت آنان به منظور سرنگونی حکومت
بنی معاویه و جایگزینی حکومت خود به سوی کوفه حرکت کرد ولی به دلیل
عمل مردم کوفه نتوانست به منظور نهایی خود برسد.
گروه دیگری از شیعیان معتقدند که با داشتن «علم غیب»، وی از ابتدا می‌دانست
که چه اتفاقی خواهد افتاد ولی با این وجود این عمل را انجام داد. این گروه
انگیزه‌های گوناگونی مانند احیاء دین اسلام، الگو شدن برای شیعیان و یا
بخشایش گناهان هواداران وی را انگیزه اصلی حسین پسر علی می‌دانند.



بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

حقیقت

شبهاتی درباره امام حسین (علیه السلام) و حادثه کربلا

شبهاتی درباره امام حسین (علیه السلام) و حادثه کربلا:

پرسش ۱: دهم عاشورای سال ۶۱ هجری قمری برابر با ۲۱ مهرماه سال ۵۹ هجری شمسی است / بله عاشورا در فصل پاییز بوده! پس این جنگ در گرمای تابستان نبوده، بلکه در اواخر مهرماه و در فصل پاییز بوده / به نرم افزارهای آنلاین تبدیل تاریخ مراجعه کنید. حتی اگر گرما هم بوده باشد برای هر دو سپاه این مسئله بوده!

کربلا صحرا نبود، جلگه بود. هوا اونقدر هم گرم نبوده، امام حسین هم تشنه لب نبوده! بلکه یک جلگه ی حاصلخیز در کنار رود پر آب فرات است. در این جلگه ی حاصلخیز بیش از شصت درصد ما یحتاج کشاورزی مردم عراق تولید می شود. حالا صادرات عظیم خرما ی عراق هم که مربوط به این منطقه است بماند. امام سوم شیعیان و لشگرش تشنه نبوده اند.

اولا در صورت نبود آب هم می توانسته اند از شیر شترهایشان استفاده کنند. که خوردن این شیر در میان مردم عرب بسیار پر طرفدار است.

دراحدیث و روایات و کتب تاریخی اسلامی متفقا همگی به نوره کشیدن امام حسین پیش از آغاز جنگ می پردازند. نوره همان واجبی است و برای استفاده

از این ماده نیاز به آب برای دوش گرفتن است!
پس چطور آب در دسترس نبوده؟

می گویند لشگر یزید آب را بر سپاه حسین بسته است! چگونه ممکن است کسی بتواند رودخانه ی پر آب فرات را ببندد؟ رودخانه ای که عرض آن در بعضی مناطق به چند صد متر می رسد!

پرسش ۲: اشکالی که وارد است اینست که اگر امام حسین برای جنگ می رفته چرا خانواده و بچه های کوچکش را همراه آورده بوده؟

پاسخ ۱:

آنچه که در برخی سایت ها آمده است، صحت ندارد، زیرا این سایت ها به منظور زیرسوال بردن قیام امام حسین (ع)، این گونه مطالب را نوشته، و دلیل علمی و عقلی بر آن ندارند، این نشان از عدم واقعیت این دسته مطالب دارد، مثلا در این سایت ها ادعا شده است که کربلا صحرا نبود بلکه جلگه بود، لذا در کربلا آب وجود داشت. در جواب این شبهه باید گفت صرف ادعا که کربلا بیابان نبوده است، کافی نیست. باید این مطلب مستند به منبع و مدرک باشد، و حال این که داده های تاریخی و همین طور طبق نظر برخی جغرافی دانان سرزمین کربلا بیابان بوده است. کربلا به رغم اینکه در کنار رود فرات بود، با این رود فاصله داشت، از این رو بیابان بود. بعضی جغرافی دانان نیز همین عقیده را

حجین

دارند. یاقوت حموی در ذیل واژه کربلا می نویسد: اما مبدأ اشتقاق این کلمه (کربلا) یا کربله به معنای سستی پاهاست، بدین جهت که سرزمین کربلاست و شن زار است یا از «کربلت» الحنطه» یعنی گندم از گاه و کثافات پاک کردم، می باشد؛ بدین مناسبت که آن زمین از ریگ های درشت و درخت پاک بوده است. (۱) در فرهنگ معین می خوانیم: کربلا یکی از شهرهایی است که در کنار رودخانه فرات قرار داشت و در سال ۶۱ هجری بیابان بود. (۲) لغت شناسان تصریح می کنند که کربلا در سال ۶۱ بیابان بوده است. این که گفته می شود کربلا سرزمین بدون علف و بیابانی بوده، معنایش این است که در سال ۶۱ در آن جا کسی زندگی نمی کرد و این سرزمین خالی از سکنه بود، نه این که در آن سرزمین آب وجود نداشته است. معنای عدم وجود آب در کربلا آن است که آب را به روی اهل بیت و یاران امام بستند و تهیه آب برای امام مشکل بود. از روز هفتم ماه محرم تا بعد از ظهر عاشورا، امام حسین (ع) و یارانش با مشکل آب مواجه شدند! منابع و مآخذ تاریخی و روایی به روشنی اثبات می کند که نیروهای عمر بن سعد مأموریت یافتند که حسین بن علی و یارانش را در مضیقه قرار بدهند و مانع آوردن آب به خیمه ها بشوند و نیروهایی را در اطراف فرات مستقر کردند تا اصحاب امام حسین (ع) نتوانند از فرات آب بیاورند. در غیر روز عاشورا امام و یارانش به سختی آب تهیه می کردند. ولی روز عاشورا مشکل آب بسیار جدی شد و حتی امام حسین (ع) وقتی که خود را به آب رسانید و خواست آب بخورد، در همان لحظه حصین بن نمیر به سوی آن حضرت تیر پرتاب کرد و در نتیجه نتوانست آب بخورد و امام حسین و یارانش روز عاشورا همه با لب

تشنه به شهادت رسیدند. (۳) البته در این هم تردیدی نیست که امام و یاران و خاندانش در آن روزها آب تهیه می کردند. چنین نبود که در آن سه روز کسی آب نخورده باشد. اگر در آن سه روز و در آن هوایی گرم کسی سه روز اصلا آب نخورده بود، نمی توانست زنده بماند. روز عاشورا امام حسین و ابوالفضل با هم برای آوردن آب سوی فرات رفتند. ولی نیروهای عمر بن سعد مانع شدند و آنان نتوانستند آب بیاورند. (۴) در برخی گزارش ها آمده است: امام حسین (ع) در روز عاشورا در محدوده اردوگاه خود اقدام به حفر چاه نمود؛ اما وقتی گزارش آن به ابن زیاد رسید، او دستور شدت عمل بیش تر و ممانعت از آن را به عمر سعد ابلاغ نمود و مانع حفر چاه شدند. (۵) همچنین در این سایت ها آمده است. که حادثه کربلا در مهر ماه اتفاق افتاده است و در این ماه هوا گرم نیست. در کدام منبع معتبر تاریخی این مطلب آمده است؟ آنچه در متون تاریخی معتبر آمده، این است که حادثه کربلا در ماه محرم اتفاق افتاد و هوا گرم بود. اگرچه طبق محاسبه، مقارن با مهر ماه باشد؛ وضعیت اقلیمی و جغرافیایی کربلا به گونه ای است که در مهر ماه نیز هوا گرم است. سایر پرسش ها، در اگر ضروری بود در آینده مطرح نمایند. درباره ابعاد قیام امام حسین (ع) به منابع زیر مراجعه فرمایید:

- حماسه حسینی، مطهری - تاملی در نهضت عاشورا، رسول جعفریان

- قیام جاودانه، محمدرضا حکیمی - تاریخ واقعه کربلا ...، عبد الرحمن انصاری و.... - سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، مطهری



چنین

پاسخ ۲:

از برخی روایات استفاده می شود که بردن اهل بیت (ع) - به سوی کربلا - مانند اصل .
قیام امام حسین (ع) وظیفه الهی بود و امام با این کار،
وظیفه خود را انجام داد. مهمتر از همه اینکه در این امر
مصلح مهم وجود داشت. شاید همین مصالح باعث شد که امام اهل بیت را با
خود ببرد. آن مصالح پاسداری از قیام کربلا می باشد. یعنی همان گونه که
در اصل قیام امام و شهادت یاران وی مصلحت وجود داشت، در بردن اهل بیت
نیز مصلحت وجود داشت. بیان بردن اهل بیت (ع) به کربلا مستلزم آن است که
رسالت آنان در صیانت از انقلاب بررسی شود، بدینسان می توان گفت: همراهی
خانواده امام - در حادثه عاشورا - به جهت عوامل زیر باشد:

۱- پیام رسانی:

اگر به تاریخ اسلام بنگریم، خواهیم دانست که در حوادث تاریخی زنان و مردان
هر دو نقش داشته اند، ولی مرد در مدار خود و زن نیز در مدار خویش؛ در کنار
رسول خدا حضرت خدیجه و در کنار امام علی حضرت فاطمه را می بینیم که
مسئولیت های اجتماعی را به خوبی انجام می دادند. در نهضت مقدس حسینی،
نقش حضرت زینب را بسیار برجسته و اساسی مشاهده می کنیم. انقلاب امام تا
عصر عاشورا مظهر خون و شهادت بود. رهبری و پرچم‌داری آن بر عهده ایشان
قرار داشت. پس از آن، بخش دوم انقلاب به رهبری و پرچم‌داری امام
سجاد (ع) و حضرت زینب (س) آغاز گردید. آنان با رفتار، گفتار و سخنان آتشین
خود، از انقلاب امام خوب پاسداری و پیام انقلاب را به مردم رساند و طبل
رسوایی حکومت پلید اموی را به صدا درآوردند.

با توجه به تبلیغات گسترده و دامنه‌داری که حکومت اموی از زمان
معاویه، علیه اهل بیت (ع) - به ویژه در منطقه شام - به راه انداخته بود
اگر بازماندگان امام به افشاکری و بیداری مردم نمی پرداختند،
دشمنان اسلام، نهضت حضرت را کم ارزش و چهره آن را وارونه
نشان می دادند. اما تبلیغات گسترده بازماندگان حضرت سیدالشهدا (ع)
در دوران اسارت - که کینه توزی سفیهانه یزید چنین فرصتی را برای
آنان پیش آورده بود - اجازه چنین تحریف و جنایتی را به دشمنان نداد.
۲- بی اثرسازی تبلیغات دشمن:

شام از آن روز که به تصرف مسلمانان درآمد، تحت سیطره فرمان‌روایانی چون
خالد پسر ولید و معاویه پسر ابوسفیان قرار گرفت. مردم این سرزمین، نه سخن
پیامبر را دریافته بودند و نه روش اصحاب او را می دانستند در نتیجه مردم - به
ویژه نسل جوان آن روز - از اسلام حقیقی چیزی نمی دانستند. شاید در نظر
آنان، اسلام هم حکومتی بود مانند حکومت کسانی که پیش از ورود اسلام بر آن
سرزمین فرمان می راندند! تجمل دربار معاویه، حیف و میل اموال عمومی،
ساختن کاخ های بزرگ و کشتن مخالفان، برای آنان امری طبیعی بود. (۱) از
سوی دیگر معاویه حدود ۴۲ سال در شام حکومت کرد و در این مدت، مردم
شام را به گونه ای پرورش داد که فاقد بصیرت و آگاهی دینی باشند و در برابر
ارزاده و خواست او، بی چون و چرا تسلیم شوند. (۲) معاویه در طی این مدت، نه
تنها از نظر نظامی و سیاسی مردم شام را تحت سلطه خود قرار داد که از نظر
فکری و مذهبی نیز مردم آن منطقه را کور و کر و گمراه بار آورد. در چنین
شرایط حکومت بنی امیه با تبلیغات زهر آگین و کینه توزانه، خاندان پاک پیامبر
را در نظر مردم شام منفور جلوه داد. در مقابل، بنی امیه را خویشان رسول خدا

چنین

و نزدیک ترین افراد به او معرفی کردند؛ به .
طوری که پس از پیروزی قیام عباسیان و .
استقرار حکومت ابوالعباس سفاح، ده تن از ..
امرای شام نزد وی رفتند و همه سوگند خوردند که
.. تا زمان قتل مروان (آخرین خلیفه اموی)، نمی دانستیم که
رسول خدا جز بنی امیه خویشاوندی داشت که از او ارث ببرند. (۳) بنابراین،
جای شگفتی نیست اگر در مقاتل می خوانیم: به هنگام آمدن اسیران کربلا به
دمشق، مردی در برابر امام زین العابدین (ع) ایستاد و گفت: سپاس خدایی را که
شما را کشت و نابود ساخت و مردمان را از شرقتان آسوده کرد! حضرت کمی
صبر کرد تا شامی هر چه در دل داشت بیرون ریخت؛ سپس با تلاوت آیاتی،
مانند *إنما یرید الله لیزهّب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً!* (۴)
خداوند می خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت ببرد و شما را پاک سازد»
فرمود: این آیات در حق ما نازل شده است. پس از آن بود که مرد فهمید آنچه
درباره این اسیران شنیده، درست نیست. آنان خارجی نیستند؛ بلکه فرزندان
پیامبر هستند؛ از آنچه گفته بود، پشیمان شد و توبه کرد. (۵) در چنین شهر چه
کسی یا باید از انقلاب امام حسین پاسداری و ماهیت و اهداف انقلاب امام
وجنایات دشمن را بیان کنند؟ جز اهلیت امام حسین به پرچمداری حضرت
زینب (س)؟ اهلیت امام حسین در برابر دشمن زانوی غم در بغل نگرفتند، بلکه
از فرست ها خوب استفاده و در قالب عزاداری، گفتگو-با مردم- و خطبه
خواندن، بیشترین تأثیر را در فرایند انقلاب امام و پاسداری از آن را داشتند.
بنابراین با خطبه ها و روشنگری های امام سجاد و حضرت زینب (علیها السلام)،
تحریفات چندین دهه بنی امیه - حتی در «شام» به عنوان مرکز خلافت

دشمنان - بی اثر شد. - افشای ماهیت ستمگران حاکم:
بعد دیگر علت حضور خاندان امام، نشان دادن چهره سفاک، بی رحم
و غیرانسانی یزید و حکومت وی بود. حکومت بدترین ظلم و جنایت
را نسبت به امام و خاندان وی روا داشت: در حادثه کربلا کودکان
و زنان، که نه سلاح جنگی داشتند و نه توان رزم؛ ولی با قساوت
بارترین شکل ممکن مورد ضرب و شتم و هتک حرمت و آزردهی
عواطف و احساسات قرار گرفتند. طفل شش ماهه با لبه ای تشنه در
کنار شط فرات جان داد؛ دختر خردسال کنار پیکر خونین و قطعه قطعه پدر
کنک خورد؛ خیمه های آنان به آتش کشیده شد. بدینسان مظلومیت امام حسین
(ع) را چند برابر شد و بعد عاطفی و احساسات انقلاب را افزایش داد، و به دنیا
نشان داد که صاحبان زور، زر و تزویر به هیچ کس - حتی کودکان زنان - رحم
نمی کنند. از سوی دیگر اهل بیت امام به بیان ابعاد جنایت دشمن پرداختند.
امام سجاد در شام همین که خواست دستگاه بنی امیه را رسوا کند، فرمود: پدرم
امام حسین را با قطعه قطعه کردن، شهید کردند. همچون پرنده ای در قفس، پر
و بال او را شکستند تا جان داد. اگر امام سجاد می فرمود: «پدرم را شهید
کردند»، در چشم مردم شام - که شناخت عمیقی نسبت به اهل بیت نداشتند -
خیلی مهم نبود؛ زیرا می گفتند: «در جنگ، افرادی کشته می شوند و یکی از
آنان حسین بوده است. همچنین امام سجاد فرمود: اگر قصد کشتن دارید، چرا
این گونه کشتید؟ چرا مثل پرنده بدنش را پاره پاره کردید؟ چرا کنار نهر آب، او
را تشنه کشتید؟ چرا او را دفن نکردید؟ چرا به خیمه های او حمله کردید؟ چرا
کودک او را شهید کردید؟». (۶) این کلمات به قدری نزد افراد غیرقابل خدش

حسین

شبهات عاشورا و قیام امام حسین (ع)

1- اگر امام حسین علم غیب داشت و میدانست شهید میشود چرا به کوفه رفت؟ آیا این خود کشی نیست؟ و اگر علم غیب داشت چرا

مسلم را به کوفه فرستاد؟

2- چرا به کوفه رفت و در مکه قیام نکردند؟ و به سمت کوفه فرار کرد؟

3- چرا تا ۱۲ هزار نامه به ایشان نرسیده بود قیام نکرد

4- چرا با خواهر زاده معاویه ازدواج کرد (لیلا مادر علی اکبر) و چرا تا یزید موجب را قطع کرد قیام کرد؟

5- چرا عبدالله همسر حضرت زینب در کربلا حضور نداشتن

6- دختری به نام رقیه وجود نداشته و این از ادعاهای اخوندهاست تا جایی که شهید مطهری هم وجود چنین دختری را انکار میکند

پاسخ:

1- گفته اگر امام حسین میدانست که شهید خواهد شد چرا به کوفه رفت؟ و اگر میدانست پس خود کشی کرده و گناه کبیره کرده است و امام چرا مسلم رو به کوفه فرستاد؟ جواب اول این اقا اصلا معنی علم غیب رو نمیدونه ، جواب نقضی: خدا علم غیب داشت یا نداشت؟ معلومه که داشت ، پس چرا امام خودش رو فرستاد به کربلا تا شهید بشه؟ چرا پیامبر خودش رو در احد فرستاد تا شکست بخوره؟ چرا اون همه پیامبری که شهید شدند رو به کام مرگ فرستاد؟ پس این رو اگر ایراد بگیریم ، اول به خدا وارد هست اما جواب حلی اول ببینیم علم غیب فقط خدا داره به چه معناست.

بِأَعْيُنِنَا حَسْبُكُمْ

علم غیب تنها از ان خداست درسته اما خدا گفته از غیبش به کسی نمیده؟؟ مثلا ما میگیم "لا حول ولا قوه الا بالله" یعنی هیچچیز رو نیروی جز نیروی خدا نیست . خوب این یعنی خدا دیگه نیروش رو به من و شما نداده؟ یا این که معنانش اینه که همه قدرت ها از ان خداست و خدا این قدرتها رو به ما داده؟ معلومه که دومی هست.

درباره علم غیب هم همینطور هست غیب تنها از ان خداست اما هر وقت

صلاح ببیند به بندگان خاص خود میدهد ایه قران رو ببینید سوره جن ایه ۲۶-

۲۷عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿۲۶﴾ إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿۲۷﴾

دانای نهران است و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند (۲۶) جز رسولی را که از او خشنود باشد که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانی بر خواهد گماشت (27)

همونطور که ببینید میفرماید جز رسولانی که از اونها خشنود است (دقت کنید

میگه رسول نمیکه نبی) اما ایا علم غیب همیشگی هست؟ امام یا پیامبر همیشه و برای همه چیز علم غیب داره؟ معلومه که خیر هر وقت خدا صلاح ببینه به او علمش رو میده. این ایه رو ببینید هود ایه ۴۹

تِلْكَ مِنۢ مِّنۡ أُنۢبِيَآءِ الْغَيْبِ نُوحِيۡهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعۡلَمُهَا أُنۡتَ وَلَا قَوۡمُكَ مِنۢ قَبۡلِ هَٰذَا فَاصۡبِرۡ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلۡمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾

این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو پس شکبیا باش که فرجام [نیک] از آن تقواییشان است (49)

پس هر وقت خدا خواست علم رو عطا میکنه و همیشگی هم نیست پس امام

حسین

حسین ممکنه خدا به ایشون این علم رو داده باشه و ممکنه نداده باشهحالا فرض کنیم . . . ایشون علم غیب داشتن. خوب همین . . . خدایی که علم غیب داده که تو رو شهید میکنند . . . همین خدا فرموده برو اونجا ، مشکلت چیه؟ این که میشه عین عبودیت و توحید این میشه عین اطاعت از خدا که با این که میدونی شهید میشی اما چون خدا امر کرده میری و شهید میشی پس خود کشی و گناه که نبوده هیچ عین ثواب بوده اما اگر فرض کنیم ایشون علم غیب نداشتن. خوب وقتی اون همه نامه رسیده دست حضرت ، بر ایشون از نظر شرعی واجب میشه برن اونجا و تشکیل حکومت بدن ، پس اگر نمیرفتن واجب شرعی رو انجام نداده بودند و اهل کوفه مدعی میشدن ما نامه دادیم اما امام نیامد اما این قسمت که چرا امام مسلم را به کوفه فرستادند و ایا این با علم غیب امام تضاد نداره؟ همونطور که بالا گفتیم ، علم غیب همیشگی و درباره همه چیز نیست ، ممکنه امام نمیدونستن ، از طرفی ممکنه خدا به ایشون رسونده بود که چی میشه اما همین خدا گفته بود مسلم رو بفرست به کوفه تا حجت بر مردم تمام بشه.

2- گفته چرا امام به کوفه رفتند و در مکه قیام نکردند

اولا اقا خبر نداره که کسانی رو فرستاده بودند تا حضرت رو در هنگام طواف شهید کنند ، پس اگر اونجا شهید میشدن معلوم نبود کی کشت و دست کی تو کار بود اما در کربلا کاملا مشخص بود که سپاه یزید هست و فرمانده یزید هست این اقا در کمال بی ادبی گفته امام به سمت کوفه فرار کردند. اینقدر شعور نداره کسی که فرار میکنه ، توی کربلا هم بیعت میکنه نه این که جلوی چند

هزار نفر بایسته .

3- گفته چرا تا ۱۲ هزار نامه به ایشون نرسیده بود ایثار نکرد

قبلش امام حسن(ع) بودند و وقتی امامی هست ، دیگری باید مطیع باشه دوما امام مثل کعبه هست و مردم باید برن سراغش و تا مردم سراغش نرن اون وظیفه ای نداره ، مثل حضرت علی که تا مردم نرفتن سراغش وظیفه قیام نداشت پس امام با دریافت نامه شرعا مکلف شدند قیام کنند.

4- گفته چرا با فلان فامیل معاویه حضرت ازدواج کرده ؟ و چرا تا یزید مواجش

رو قطع کرده قیام کرده

اولا صدقه به اهل بیت حرام هست و همون معاویه هم نمیتونسته به اهل بیت صدقه بده دوما ظاهرا خبر نداره که امام حسن مقابل همین معاویه جنگیدن سوما خبر نداره که ازدواج نشون دهنده رابطه خوب نبوده همون طور که پیامبر با دختر دشمن خودش ازدواج کرد یا زن همسر نوح کافر بود یا زن امام حسن ایشون رو شهید کرد یا...

5- پرسیدن که چرا عبدالله همسر حضرت زینب در کربلا حضور نداشتن

خب واقعا من نمیدونم این سوال رو چرا پرسیدن در حالی که جناب عبدالله بن جعفر (رض) فرزندانیش و همسر گرامی خودش رو همراه امام حسین فرستاد : برای عدم حضور ایشون دلایلی ذکر شده و موجه بودن عدم این حضور صد در صد برای ما اثبات شده هست چون ائمه ی بعدی ما به ایشون احترام میداشتن و کوچکترین نکوهشی هم بر ایشون وارد نکردن. در مورد شان و بزرگی حضرت عبدالله بن جعفر جناب جناب نصر بن مزاحم در کتاب وقعة الصفین توضیح داده

جهنم

و ذکر کرده که ایشون در کنار امیرالمومنین جنگیدن و حضور ایشون در جنگ صفین رو ذکر کردن: پس ایشون مجاهد .
.. خود معاویه ی ملعون جنگیدن پس جنگ با یزید هم اگر
براشون پیش میومد نه ترسی داشتن نه شکی و در همین صفحه ایشون رو عاشق و با ایمان و ... خطاب میکنه و نشون میده ما در جلالت عبدالله شکی نداریم و عدم حضورش موجه بوده برای دیدن این مطلب به وقعه الصفین صفحه ۳۷۳ رجوع کنید . در مورد عشق و ارادت و خضوع ایشون در برابر حسین مرحوم طبرسی در احتجاج جلد ۲ صفحه ۲۸۵ روایت جالبی نقل میکنن: این اعتقاد و باور عبدالله درباره امام حسن و امام حسین (ع) نیز ادامه یافت و او تا حدّ توان به این دو بزرگوار خدمت رساند. نقل شده است: روزی معاویه در مدینه در مجلسی که تنها امام حسن و امام حسین (ع) به همراه عبدالله جعفر، ابن عباس و فضل بن عباس حضور داشتند رو به عبدالله بن جعفر کرد و گفت این شدت تعظیم و تکریم تو نسبت به حسین چیست؟ ایشان از تو فاضل تر نیستند، پدر ایشان از پدر تو بهتر نیست و اگر نه این بود که مادر ایشان فاطمه زهرا دختر رسول خدا است می گفتم مادر تو اسماء بنت عمیس از مادر ایشان نیز کمتر نیست. عبدالله از این سخنان خشمناک شده و فرمود: معرفت و شناخت تو به این دو و پدر و مادر این دو اندک است. سوگند به خدا ایشان بهتر از من، پدر ایشان بهتر از پدر من و مادر ایشان بهتر از مادر من است.
پس نبودن ایشون ۱۰۰٪ موجه هست: بریم سراغ دلیل:
جناب عبدالله بخاطر عشق و دلسوزی سعی داشت امام رو از سفر به کوفه



منصرف کنه ولی وقتی اصرار امام رو دید فهمید مصلحت در سفر هست و برای موافقت با این قیام اجازه داد همسر گرامیشون حضرت زینب(س) و فرزندانشون در این سفر حضور پیدا کنن. در حضور حضرت زینب در این قیام احدی شکی نداره در مورد حضور فرزندانشون هم همینطور مثلاً شیخ طوسی در رجالشون صفحه ۸۶ میگن: * (عون) * بن عبدالله بن جعفر بن اُبی طالب قتل معه (ع) . // یعنی: عون پسر عبدالله بن جعفر همراه امام حسین جنگید.
در صفحه ۹۱ این سخن رو در مورد دیگر فرزند ایشون داریم: * (محمد) * بن عبدالله بن جعفر بن اُبی طالب قتل معه علیه السلام.
یکی از دلایل عدم حضور ایشون نایبنا بودن و کسالت ایشون هست و طبیعتاً یک انسان نایبنا نمیتونه در جنگ حضوری داشته باشه و این مسؤلیت از دوش برداشته شده ولی عبدالله سعی کرد با این حال باز هم به امام کمک کنه و شیخ مفید در الارشاد جلد ۲ صفحه ۶۸ ذکر میکنه که ایشون برای گرفتن امان نامه برای حضرت و راضی کردن ایشون از نرفتن به جنگ بخاطر عشقش به امام حسین تلاش زیادی کردن ولی وقتی دیدن امام منصرف نمیشه فهمیدن که صلاح در این امر هست.
در دایره المعارف تشیع جلد ۱۱ صفحه ۸۳ ذکر شده یکی از اقوال برای عدم حضور ایشون این هست که امام به ایشون فرمان دادن در مکه و مدینه باقی بمونه تا بنی هاشم رو حفظ کنه. چون ایشون همونطور که در وقعه الصفین ذکر شده از اعیان بنی هاشم بوده. پس این عدم حضور موجه بوده بنا بر دلایل بالا و ایشون هم انسان جلیلی بودن. در انتها در یک روایت میاریم که کامل همه ی دهان های یاوه گو بسته بشه:

چنین

وقتی خبر شهادت فرزندان در کربلا را به وی دادند او گفت: انا لله و انا اليه ..
راجعون. غلام عبد الله به نام ابو السلاسل در این زمان گفت که این مصیبتی است که به سبب ..
حسین بن علی دریافتیم. عبدالله وقتی این جملات را شنید سخت بر آشفت و سر و دهن غلام را با نعل کوفت و فرمود "يا بن اللخناء أ
للحسين تقول هذا و الله لو شهدته لاحببت ان لا افارقه حتى اقتل معه" ای پسر زن زشت آیا در حق حسین (ع) این گونه سخن می گویی؟ به خدا سوگند اگر در کنار او حضور داشتم دوست داشتم هرگز از وی جدا نشوم تا این که در نزد او شهید شوم.

الارشاد جلد ۲ صفحه ۱۲۴

شبیه ی تکراری وجود یا عدم وجود حضرت رقیه رو هم مختصر جواب میدیم چون قبلا بارها جواب داده شده.

من فقط برای ساکت کردن این عزیز چند مورد میارم:

اول: سید بن طاووس در لهوف صفحه ی ۱۲۳ اسم ایشان رو ذکر کرده.

... یا اختاه یا ام کلثوم! و انت یا زینب و انت یا رقیه و أنت یا فاطمه و أنت یا رباب...!

دوم: معالی السبطين حائری صفحات ۱۶۱ و ۱۷۰ جلد ۲:

کانت للحسين (ع) بنت صغيرة.... تسمى رقيه و كان لها ثلاث سنين

سوم: ابن ابی مخنف در مقتل الحسين (ع) صفحه ۸۴:

ثم نادى يا ام كلثوم و يا زينب و يا سكينه و يا رقيه و يا عاتكة و يا صفيه...
چهارم: شوشتری در احقاق الحق جلد ۱۱ صفحه ۶۳۳:
ثم نادى يا ام كلثوم يا سكينه يا رقيه يا عاتكة يا زينب يا اهل بيتي
عليكن منى السلام... علما و مراجع ما هم بارها تصريح کردن که چنین شخصی وجود داشته از قبیل ایت الله روحانی و شیرازی و مکارم و نوری و مظاهری و کاشانی و غیره):

يا ابا عبد الله الحسين



چنین

تاریخ عزاداری‌های حسینی در شیعه

و اهل سنت

نخستین گروه ایرانی تبار شیعی مذهب کوفه که پس از واقعه کربلا، آشکارا مجالس عزاداری عاشورا به پا کردند، چه کسانی بودند؟ عزاداری در میان شیعه و اهل سنت چگونه شکل گرفت؟ شهادت حسین بن علی(ع) جانی دوباره و هویتی تازه به تشیع بخشید. تشیع چنان با حادثه عاشورا عجین گشته است که امروزه قسمت اعظمی از بنیان و بنیادهای شیعی را، آموزه‌ها و مسایل مرتبط با عاشورا و حرکت امام حسین(ع) می‌سازد. از این رو است که در نگاه شیعی، این نه فقط شیعیان، که همه عالم، گیاهان و بی جانان و حیوانات تا انسان‌ها، و نه امروز که از ابتدای آفرینش انسان، بر امام حسین(ع) گریسته اند و همه چیز با نام او پیوند خورده است. در این گفتار خبر آنالین، تاریخ عزاداری آن حضرت را از دیدگاه روایات شیعی بازگو می‌کنیم. چنانکه امام صادق در روایتی می‌فرماید: گریه پیامبران، صدیقان، شهیدان و ملائکه آسمان بر حسین(ع)، طولانی شده است. ۱. هم چنین در کامل الزیارات و بحار الانوار روایتی آمده که می‌گوید: هیچ پیامبری نبوده، مگر اینکه به زیارت کربلا آمده و در آن جا توقف کرده است. ۲. از این رو در روایات شیعی، سابقه عزاداری بر امام حسین(ع) به حضرت آدم(ع) می‌رسد.

در روایتی وارد شده است که وقتی خداوند در خواست توبه آدم(ع) را پذیرفت، جبرئیل اسامی پنج تن آل عبا را به او تلقین کرد. هنگامی

که به نام سیدالشهدا رسید، گریه راه گلویش را بست. آدم علت آن را جویا شد و جبرئیل واقعه عاشورا را برای او شرح داد. در این هنگام، آدم و جبرئیل هردو گریه می‌کردند. ۳. در روایت دیگری آمده است که حضرت آدم هنگام عبور از کربلا یزید را لعن نموده است. ۴. هنگامی که کشتی حضرت نوح نیز به کربلا رسید، به تلاطم افتاد. وقتی آن حضرت علت را پرسید، جبرئیل داستان کربلا را برای وی بازگو کرد. ۵. همین مساله درباره ابراهیم، هنگامی که در صدد ذبح اسماعیل برآمده بود، روی می‌دهد و پس از شنیدن داستان عاشورا، اشک از چشمانش سرازیر می‌شود. ۶. برای اسماعیل نیز همین مساله هنگام آب نیاشامیدن گوسفندانش در کربلا اتفاق می‌افتد. ۷. نیز هنگامی که به موسی خطاب شد همه گناهکاران توبه کار را می‌بخشم، جز کشنده حسین(ع) را و آن گاه داستان کربلا بیان گردید، گریه کرد و از قاتلان حسین(ع) بیزاری جست. ۸.

هم چنین در روایتی، گریستن حضرت موسی و حضرت خضر(ع) در مجمع البحرين، ۹. حضرت زکریا در بیت المقدس ۱۰ و حضرت عیسی در کربلا ۱۱ بر حضرت امام حسین(ع) ذکر شده است. نیز گریستن حضرت رسول الله(ص) پس از ولادت امام حسین(ع) ۱۲ یا هنگام رحلت شان ۱۳ و...، گریستن امیرمؤمنان هنگام عبور از کربلا ۱۴ و گریستن حضرت زهرا(س) ۱۵ خط سیر دنباله دار تاریخ عزاداری نزد شیعیان، از ابتدا تا هنگام شهادت امام حسین(ع) است. هم چنین علامه مجلسی در بحارالانوار از امام باقر(ع) روایت می‌کند که هنگام خروج امام حسین(ع) از مدینه به طرف مکه، بانوان بنی عبدالمطلب جمع شدند و بر آن حضرت گریه کردند. ۱۶.



چهارمین

تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا

شهادت حسین بن علی(ع)، شوکی .
عاطفی در میان مردم، به ویژه حلقه پیروان و .
دوست داران اهل بیت و شیعیان آن حضرت پدید آورد.
همچنین عظمت شخصیت حسین بن علی(ع) و یارانش و پستی عمل جنایت کاران در چگونگی امام(ع)، بر ابعاد این مساله می افزود. عزاداری از همان لحظه های نخستین پس از شهادت امام حسین(ع)، افزون بر بار عاطفی نیرومندی که داشت، با ویژگی های سیاسی و اجتماعی نیز همراه بود. در این جا، سیر تاریخی عزاداری امام حسین را پس از شهادت آن حضرت به اختصار بررسی می کنیم. البته ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که حتی دشمنان و قاتلان امام(ع) چون عمر سعد، ۱۷ لشکر کوفیان، ۱۸ و اهل شام، ۱۹ نیز بر مظلومیت و فداکاری جانبازانه امام حسین(ع) گریسته اند.

تاریخ عزاداری شیعه پس از عاشورا، از اولین لحظه های شهادت امام حسین(ع) شروع می شود، هنگامی که ذوالجناح با زین واژگون و یال غرقه به خون از مقتل بازگشت. ۲۰ پس از آن نیز در مواردی متعدد، حضرت زینب، زنان حرم امام(ع) و نیز دیگران به عزاداری پرداختند؛ مواردی چون عزاداری اهل بیت هنگام چپاول و آتش زدن خیمه ها ۲۱ و وقت عبور از میان شهدا، ۲۲ عزاداری زنان بنی اسد هنگام رفتن شهدا، ۲۳ عزاداری اهل بیت در شام، ۲۴ عزاداری اهل بیت و اهل مدینه در هنگام ورود به مدینه ۲۵ و عزاداری ام البنین در بقیع. ۲۶ به جز عزاداری های اهل بیت پس از شهادت امام حسین(ع) و اصحابش، شاهد

عزاداری های دوست داران و شیعیان خاندان عترت به صورت فردی و جمعی هستیم که به آن ها اشاره می کنیم.

۱. عبیدالله بن حر جعفی، که گفته شده پس از شهادت امام حسین(ع) از منزل خود در قصر بنی مقاتل به کربلا رفت و در آنجا گریست و قصده ی بلندی در رثای امام حسین(ع) سرود. ۲۷ او را نخستین زیارت کننده قبر امام(ع) دانسته اند. ۲۸

۲. جابر بن عبدالله انصاری، که بر اساس گفته لهوف در اربعین به کربلا رسیده است. ۲۹

۳. تواین که پس از شهادت امام حسین(ع) از یاری نکردن آن حضرت پشیمان گشته و توبه کردند و به قیام بر ضد دستگاه شام و جبران گذشته همت گماردند. آن ها بدین منظور، به کربلا رفتند و در آن جا به عزاداری پرداختند و آن جا برای خونخواهی امام(ع) هم قسم شدند. ۳۰

۴. عزاداری امامان معصوم، که در برخی از فصل های پیشین نیز ذکری از آن به میان آمد. امام باقر(ع) به منظور عزاداری بر جدشان، مجلس تشکیل می دادند و از کمیت خواستند تا اشعاری در این باره بخوانند. ۳۱

امام صادق(ع) نیز به تشکیل مجلس عزاداری می پرداختند ۳۲ و شیعیان را به عزاداری و مرثیه سرایی با حزن و اندوه و سوز امر می نمودند ۳۳ و خود در مصیبت جدشان می گریستند. ۳۴ در همین زمینه، روایاتی از امام کاظم(ع) ۳۵ و امام رضا(ع) ۳۶ نقل شده است. بنابراین، آن چه از سیره اهل بیت بر می آید، تشکیل مجالس عزاداری و گرامی داشت عاشورا، به ویژه دهه محرم ۳۷ است. به

چنین

یقین شیعیان هم این امر را تا حد امکان در ..
آن شرایط خفقان به انجام می رساندند و ..
هرگاه شرایط مهیا می شد آشکارا به ..
عزاداری می پرداختند. این شرایط در زمان بنی امیه به ..
شدت سخت و دهشتناک بود. امویان می کوشیدند تا یاد حسین و اهل بیت (ع)
از ذهن ها پاک شود. از این رو، به هیچ وجه اجازه عزاداری و رفت و آمد و
زیارت قبر مطهر آن حضرت را نمی دادند. این موضوع پس از قیام زید ابن
علی بن حسین (ع) در زمان هشام بن عبدالملک شدت یافت. آن شرایط خفقان
بار، در گفت و گوی میان امام صادق (ع) و یکی از اصحابشان به نام مسمع ۳۸
کاملاً مشهود است. اما در زمان عباسیان، شرایط همواره در حال نوسان و تغییر
بود و دائماً دچار قبض و بسط می شد. در زمان سفاح اولین خلیفه عباسی، شاهد
فراهم شدن زمینه برای زیارت مرقد مطهر هستیم، ولی در زمان منصور، شاهد
منع زائران و تخریب مرقد مطهریم که شاید یکی از علت های آن، قیام سادات
حسینی باشد. پس از منصور و در زمان مهدی، مامون، معتصم، واثق، منتصر و
ناصرالدین بالله، شیعیان از جهت عزاداری و زیارت قبر امام حسین (ع) آزادی
داشتند، ولی در زمان هارون و متوکل، به شدت در آزار و اذیت قرار گرفتند و
دستور تخریب قبر مطهر و منع زایران صادر شد. ۳۹ شدیدترین این آزارها و
اذیت ها، در زمان متوکل بود که دستور کشت زمین های اطراف قبر مطهر و
زندانی کردن زایران را در سال ۲۳۶ ه. ق صادر کرد. علی بن محمد بسامی، شاعر
بغدادی، شعری سرود و در آن، بنی عباس و متوکل را هجو و مذمت کرد. ۴۰ با
این حال، کسانی از قرن اول هجری تا زمان آل بویه، به طور فردی و جمعی به
کربلا رفته و در آن جا عزاداری می کردند، ولی پرشکوه ترین عزاداری شیعه

در سوگ سیدالشهدا (ع)، در دوارن آل بویه که خود شیعه و دوست
دار اهل بیت بودند، اتفاق افتاد. احمد معزالدوله، یکی از سه برادران
بویه ای، پس از فتح بغداد در سال ۵۳۴ ه. ق در زمان مستکفی بالله،
با توجه به روحیه تشیع خود، به آبادانی مزار امامان معصوم، به ویژه
امام حسین (ع) پرداخت. او در محرم سال ۳۵۲ دستور داد که بازارها
تعطیل و خرید و فروش ممنوع شود و سقاخانه هایی در بازارها برای
آب دادن به مردم دایر گردد. هم چنین زنان در حالی که برای امام حسین (ع)
نوحه می خواندند و بر صورت لطمه می زدند، از خانه ها خارج شوند. ۴۱ این
نخستین باری بود که چنین مراسمی در عزای امام حسین (ع) و زیر پرچم
حکومتی برپا می گردید و سنت عزاداری دهه اول محرم، از آن زمان تا کنون
به یادگار مانده است. پس از این دوران نیز عزاداری امام حسین (ع) همواره
انجام می گرفت و با توجه به برخورد حاکمان، دچار قبض و بسط می گردید.
پس از دوران آل بویه، دوران تیموریان از این جهت بسیار پراهمیت است. و
شاهد گسترش تدریجی تشیع، به ویژه در خراسان و ماوراء النهر (مرکز حکومت
تیموریان) هستیم، به طوری که برخی از پژوهش گران، از تسنن دوازده امامی
در این دوره نام برده اند ۴۲ و نوشته اند در این زمان در ماوراءالنهر، همه ساله
در سالروز قیام عاشورا، مراسمی برپا می شد. ۴۳
ملا حسین کاشفی، چهره شاخص این دوره و نگارنده کتاب روضه الشهداء است.
برخی گفته اند در این دوره، گریه بر امام حسین (ع) در هرات، جانشین ذکر
صوفیانه شده بود که نقشبندیه آن را ملغی کرده بودند. ۴۴ با روی کار آمدن
صفویه و رسمیت یافتن مذهب شیعه و فزونی گرفتن شمار شیعیان، بر کمیت و

چنین

.. گستره مراسم عزاداری افزوده شد و از آن .
.. پس نیز با توجه به شیعی بودن همه حاکمان
.. ایرانی، همین روند با ابعاد وسیع تری ادامه
.. یافت. تاریخ عزاداری امام حسین (ع) در میان اهل
.. سنت اهل سنت امروزه، شمار فراوانی از جمعیت مسلمانان
.. را تشکیل می دهند. از این رو، به دست آمدن نظرگاه آنان در خصوص مساله
.. ای چون عزاداری امام حسین (ع) مهم تلقی می شود و می تواند به وحدت
.. نظری و عملی مسلمانان کمک کند. از سویی دیگر، با توجه به تبلیغ وسیع
.. وهابیت در نفی عزاداری و به ویژه عزاداری سید الشهداء، به دست آوردن سیره
.. عالمان و بزرگان اهل سنت و گذشته تاریخی این موضوع در میان ایشان،
.. جایگاه والایی می یابد. نخستین گزارشی که از اعتراض و گریه یکی از بزرگان
.. صحابه پس از شهادت امام حسین (ع) و اسارت اهل بیت (ع) ثبت شده، اعتراض
.. و گریستن زیدبن ارقم در مجلس ابن زیاد است. هنگامی که ابن زیاد با چوب
.. دستی بر لب و دندان امام (ع) می زد، زید با اعتراض گفت: چوب دستی ات را
.. بردار، به خدا شاهد بودم که رسول خدا مابین دو لب حسین را می بوسید و
.. سپس گریست. ابن زیاد او را تهدید به مرگ کرد. پس زید فریاد زد: ای مردم!
.. شما از این پس جزو بردگانید؛ پسر فاطمه را کشته اید و پسر مرجانه را امارت
.. داده اید... ۴۵ به جز زیدبن ارقم، از کسانی که گریستن و عزاداری ایشان بر
.. حسین بن علی (ع) ذکر شده می توان به حسن بصری اشاره کرد که پس از
.. شنیدن خبر شهادت امام حسین (ع) به شدت گریست و گفت: امت ذلیل، امتی
.. است که پس دختر پیامبرش را می کشد. ۴۶ هم چنین از امام شافعی می توان
.. نام برد. شافعی با وجود طعن مخالفان، از ابراز محبت به اهل بیت (ع) ابا نمی

ورزید. ۴۷ وی در قصیده ای، به مدح اهل بیت (ع) و ابراز اندوه از
.. شهادت امام حسین (ع) می پردازد. نیز می توان از رثای خالد بن
.. معران، یکی از تابعین و مرثیه احمد بن منصور بن علی قطیعی درباره
.. امام حسین (ع) یاد کرد. ۴۸ باید به این نکته اشاره کرد که بسیاری از
.. فقهای سنی مذهب اهل کوفه، به ویژه ابوحنیفه از سرسخت ترین
.. طرفداران قیام های علویان بودند. ابوحنیفه و بسیاری دیگر از فقها هم در
.. جریان قیام زیدبن علی بن حسین (ع) ۴۹ و هم در جریان قیام حسینیان به
.. رهبری محمد نفس زکیه و ابراهیم ابن محمد، به حمایت آنان برخاستند و به نفع
.. آنان فتوا صادر کردند. ۵۰

.. احمد بن حنبل، عالم بلند پایه اهل حدیث، در تعدیل مذهب عثمانیه و پذیرش
.. فضایل علی (ع) نقش موثری دارد و حنبلی ها که به سختی با مراسم عاشورای
.. حسینی مبارزه می کردند، با نشر فضایل اهل بیت (ع) از شدت تعصبشان کاسته
.. شد. در این راستا می توان از سبط ابن جوزی و یحیی بن سلامه حفصکی که
.. قصیده ای در مدح دوازده امام و قصیده ای دیگر در رثای ابا عبدالله
.. الحسین (ع) دارد، نام برد. ۵۱ هم چنین می توان به کسانی چون ابن صباغ
.. مالکی، شمس الدین محمد بن طولون، قندوزی حنفی و فضل الله بن روزبهان
.. که همگی آنان سنی های معتدلی هستند، اشاره کرد.

.. عبدالجلیل رازی، از عالمان قرن ششم و صاحب کتاب النقص، در مقابل نویسنده
.. سنی مذهب دیگری که به عزاداری امام حسین (ع) خرده گرفته بود، به دفاع از
.. آن برمی خیزد و می نویسد: «بزرگان و معتبران ائمه از اصحاب امام مقرر
.. بوحنیفه و امام مکرم شافعی و علما و فقهای طوایف فریقین، خلفاً عن سلف، این .

حسینی

سنت را رعایت کرده اند.» ۵۲ اطلاعاتی که وی از عزاداری امام حسین(ع) در میان .. اهل سنت می دهد، بسیار ارزش مند است. وی از شخصیت های برجسته زیادی از اهل سنت .. چون خواجه بو منصور در اصفهان و خواجه علی غزنوی حنفی در بغداد نام می برد که، در روز عاشورا با شور و هیجان فراوانی به سوگواری امام حسین(ع) می پرداخته اند. ۵۳ وی هم چنین به مجلس «شهاب مشاط» در بغداد اشاره می کند. در همین دوره باید از عبدالرحمن جامی(۸۱۷-۸۹۸ ه.ق) حنفی مذهب یاد کرد که علاقه بسیاری به خاندان عترت داشته و اشعاری در این باره سروده است. ۵۴ او هنگام دیدار از کربلا اشعاری در وصف امام حسین(ع) می سراید: کردم ز دیده، پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین ۵۵ به جز این موارد می توان از برخی عالمان حنفی نام برد که کتاب هایی در رثای امام حسین(ع) نگاشته اند: محمود بن عثمان حنفی رومی نویسنده مقتل الامام الحسین ابن علی ابن ابیطالب رضی الله عنهما فی کربلا، ۵۶ قادر بخش بن حسن علی حنفی نگارنده جور الاشقیاء، علی ریحانه سید الانبیاء ۵۷ و شیخ علی انور بن علی اکبر حنفی نویسنده کتابی با عنوان شهادة الکونین فی مقتل سیدنا الحسین السبط. ۵۸ امروزه نیز اهل سنت، یا خود به عزاداری امام حسین(ع) می پردازند و یا با شیعیان در عزاداری شرکت می کنند؛ چنانچه دکتر علی الوردی در کتاب خود با عنوان دراسه فی طبیعه المجتمع العراقی به این اشتراک شیعه و سنی در عزای حسینی اشاره می کند و می نویسد: کم دیده نمی شود که محله سنی نشین با محله شیعه نشین در بعضی

مجالس حسینی مشارکت می کنند و گاهی نیز در تقدیس مراقد و امامان شیعه این مشارکت دیده می شود. ۵۹

عزاداری امام حسین(ع) در ایران

ایرانیان از دیرباز دوست دار خاندان عترت و مفتخر به ولایت آنان

بوده اند. آن ها به اهل بیت(ع) حساسیت ویژه ای داشته و همواره یار و حامی آنان به شمار رفته اند. قبیله بنی حمراء از قبایل ایرانی تبار شیعی مذهب کوفه، نخستین کسانی بودند که پس از واقعه کربلا، آشکارا مجالس عزاداری عاشورا به پا کردند و برای خون خواهی سید الشهداء به مختار پیوستند. ۶۰ آن ها که بالغ بر بیست هزار جنگجو بودند، بیشتر سپاه مختار را تشکیل می دادند ۶۱ و مسجدی نیز در کوفه به نام آن ها موجود بوده است. ۶۲ اصولاً ایرانیان که در آن زمان بیش تر تحت عنوان موالی خوانده می شدند، به اهل بیت پیامبر، ارادت خاصی داشتند. ایرانیان به ویژه پس از شهادت امام رضا(ع) به عزاداری امام حسین(ع) حال و رنگ دیگری بخشیدند و به طور مداوم به آن می پرداختند. ۶۳ البته این مساله در طول زمان دچار فراز و فرودهایی می گردید. برای مثال، با روی کار آمدن آل بویه در ایران و عراق و ترویج تشیع در مناطق مختلف، شیعیان و دوست د.. اران امام حسین(ع)، مجال بیش تری برای عزاداری پیدا کردند. آل بویه که خود ایرانی و شیعه بودند، بنیاد عزاداری علنی و پرشکوه را در بغداد گذاشتند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



چهارمین

.. پس از آنان نیز این حرکت با شدت و ضعف ..
.. ادامه یافت. تا زمان تیموریان که رونقی ..
.. وسیع و جدی گرفت، به طوری که اهل ..
.. تسنن نیز با شیعیان هم‌نوا می‌شوند. پس از تیموریان، با ..
.. روی کار آمدن صفویه و حمایت رسمی آنان از تشیع،
برپایی عزاداری گسترده و دامنه‌پیش‌تری یافت و در اقصی نقاط ایران متداول
شد. این مراسم هم‌چنان تا زمان قاجاریه ادامه یافت. در دوره رضاشاه پهلوی، با
آن که خود او با تظاهر شدید به حمایت از تشیع و علما و مظاهر تشیع و به راه
انداختن دسته و همراهی با عزاداران توانسته بود حکومت را بدست گیرد، ولی
در نیمه دوم حکومتش به شدت را عزاداری مبارزه کرد و آن را ممنوع ساخت.
در زمان پهلوی دوم، ممنوعیت عزاداری برداشته شد و مردم توانستند آزادانه به
عزاداری بپردازند. پس از سقوط سلطنت ۵۷ سال پهلوی و با آغاز انقلاب اسلامی
ایران، سوگواری سیدالشهدا منزلت والایی یافت و یکی از اساسی‌ترین پایه
های مذهبی حکومت را نیز تشکیل داد. گفتنی است که ایرانیان، عزاداری را در
مساجد، تکیه‌ها، حسینیه‌ها، منازل و به صورت دسته‌عزا در معابر عمومی و نیز در
بیوت مراجع تقلید بر پا می‌کردند. این مراسم، در شهرهای مذهبی چون قم،
مشهد، کاشان، اصفهان، اردبیل، و... بسیار پرشکوه انجام می‌گیرد. نخل‌بداری،
هیات‌های سقایی، تعزیه‌خوانی زنجیر زنی و قمه زنی از رسم‌های متداول
آیین عزاداری به شمار می‌آید.

منابع

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت لبنان، دار احیاء التراث العربیه،
چ ۱۴۰۳، ۳ق، ج ۴۵، ص ۲۰۸.
۲. کامل الزیارات، چ مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶ق، ص ۶۷، بحار الانوار،
ج ۴۴، ص ۳۰۱.
۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۵، الخصائص الحسینیة، شیخ جعفر شوشتری،
بیروت، دارالسرور، چ ۱۴۱۴، ۱ق، ص ۱۰۱.
۴. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲.
۵. همان، ص ۲۴۳.
۶. همان، ص ۲۲۷.
۷. همان، ص ۲۴۳.
۸. همان، ص ۲۴۴.
۹. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، قم، دارا کتاب، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸.
۱۰. الاحتجاج، طبرسی، مشهد، مرتضی، ۱۴۰۳ق، ج، ص ۴۶۳.
۱۱. الامالی، شیخ صدوق، مجلس ۸۷، ذیل شماره ۵.
۱۲. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴۹؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۶، ص ۲۴۹.
۱۳. مثير الحزان، ابن نماحلی، قم، موسسه الامام المهدی، چ ۱۴۰۶ق، ص ۲۲.

حسین

۱۴. الامالی، صدوق، ص ۳۶۵، مجلس ۸۷.

۱۵. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲۵.

۱۶. همان، ص ۸۸ - ۸۹.

۱۷. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۵۲، مقتل الحسین، ابی مخنف،

ترجمع علی کرمی، قم، دارالکتاب، ج ۱، ۱۳۷۷، ص ۳۸۴.

۱۸. بحار الانوار، ج ۴۵، صص ۵۸-۵۹.

۱۹. همان، ج ۴۵، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.

۲۰. همان، ج ۴۵، ص ۵۲.

۲۱. همان، ص ۵۸.

۲۲. مقتل الحسین، خوارزمی، تحقیق، شیخ محمد سماوی، قم، دارانوار

الهدی، چ ۱۴۱۸، ق ۲، ص ۴۴-۴۵.

۲۳. ارشاد، مفید، ج ۲، صص ۱۱۳۱۱۴، ینایع الموده لذوی القربی، قندوزی

حنفی، قم، مکتبه المحمدی، ۱۳۸۵، ق ۱، ج ۸، ص ۳۵۰.

